

## احکام خمس و زکات، از رساله ی امام خمینی (ره)

احکام خمس

مسأله ۱۶۶۰.

چیزهایی که خمس آن واجب است

در هفت چیز خمس واجب می شود:

۱- منفعت کسب.

۲- معدن.

۳- گنج.

۴- مال حلال مخلوط با حرام.

۵- جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید.

۶- غنیمت جنگ

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

۱- منفعت کسب

مسأله ۱۶۶۱. منفعت کسب

هر گاه انسان از تجارت، صنعت یا کسب های دیگر، مالی به دست آورد (مثلاً نماز و روزه میتی را بجا آورد و از اجرت آن مالی تهیه کند)، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس (یعنی يك پنجم) آنرا به دستوری که بعداً گفته می شود بدهد.

مسأله ۱۶۶۲. مالی که از غیر کسب به دست می آید (مثل هدایا)

اگر از غیر کسب، مالی به دست آورد (مثلاً چیزی به او ببخشند) واجب نیست خمس آنرا بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید خمس آنرا هم بدهد.

مسأله ۱۶۶۳. ارث و مهریه زن

۱- مهری را که زن می گیرد خمس ندارد.

۲- ارثی که به انسان می‌رسد نیز خمس ندارد، ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته و گمان ارث بردن از او نداشته، احتیاط مستحب آن است که خمس ارثی را که از او می‌برد، اگر از مخارج سالش زیاد می‌آید، بدهد.

**مسئله ۱۶۶۴.** با علم به پرداخت خمس ارث

۱- اگر مالی به ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آنرا نداده، باید خمس آنرا بدهد.

۲- اگر در خود آن مال خمس نباشد، ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد.

**مسئله ۱۶۶۵.** زیاد آمده از مخارج سال در اثر قناعت

اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید باید خمس آنرا بدهد.

**مسئله ۱۶۶۶.** در آمد کسی که دیگری مخارج او را می‌دهد

کسی که دیگری مخارج او را می‌دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آید بدهد، ولی اگر مقداری از آنرا خرج زیارت و مانند آن کرده باشد، فقط باید خمس باقیمانده را بدهد.

**مسئله ۱۶۶۷.** درآمد به دست آمده از کشاورزی در زمین وقفی

اگر ملکی را بر افراد معینی مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آنرا بدهند.

**مسئله ۱۶۶۸.** خمس در خمس و زکات و صدقه مستحی که فقیر می‌گیرد

۱- اگر مالی را که فقیر به عنوان خمس و زکات و صدقه مستحی گرفته است از مخارج سالش زیاد بیاید، واجب نیست خمس آنرا بدهد.

۲- اگر از مالی که به او (فقیر) داده‌اند منفعتی ببرد (مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده‌اند، میوه‌ای به دست آورد)، چنانچه درخت را برای منفعت بردن و کسب نگهداشته باشد، باید خمس مقداری که از مخارج سالش زیاد می‌آید بدهد.

**مسئله ۱۶۶۹.** خرید با پول خمس داده نشده

اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید: این جنس را با این پول می‌خرم و یا در وقت خریدن قصدش این باشد که از پول خمس نداده عوض آنرا بدهد:

۱- چنانچه حاکم شرع معامله یک پنجم آنرا اجازه بدهد، معامله آن مقدار صحیح است و انسان باید یک پنجم جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد، یا در وقت خریدن قصدش این باشد که از پول خمس نداده عوض آنرا بدهد.

۲- اگر حاکم شرع آنرا اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است. در این صورت، اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته است، حاکم شرع خمس همان پول را می‌گیرد و اگر پول مذکور از بین رفته، عوض خمس را از فروشنده، یا خریدار مطالبه می‌کند.

**مسئله ۱۶۷۰.** پرداخت قیمت از پول خمس داده نشده

اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آنرا از پول خمس نداده بدهد و در وقت خریدن هم قصدش این نباشد که از پول خمس نداده عوض آنرا بدهد:

۱- معامله‌ای که صورت گرفته، صحیح است.

۲- اما چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده است، خریدار به مقدار پنج يك آن پول را به او مدیون می‌باشد.

۳- پولی که به فروشنده داده اگر از بین نرفته است، حاکم شرع پنج يك آنرا می‌گیرد و اگر از بین رفته، عوض آنرا از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌کند.

**مسئله ۱۶۷۱.** خرید مالی که خمس آن داده نشده

اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد:

۱- چنانچه حاکم شرع معامله پنج يك آنرا اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می‌تواند پنج يك آن مال را بگیرد.

۲- اگر مجتهد آنرا اجازه بدهد، معامله صحیح است و خریدار باید مقدار پنج يك پول آنرا به حاکم شرع بدهد، و اگر به فروشنده داده می‌تواند پس بگیرد.

**مسئله ۱۶۷۲.** هدیه چیزی که خمس آن داده نشده

اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، پنج يك آن چیز مال او نمی‌شود.

**مسئله ۱۶۷۳.** کافر یا غیر معتقد به خمس

اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس اعتقادی ندارد، مالی به دست انسان برسد، واجب نیست خمس آنرا بدهد.

**مسئله ۱۶۷۴.** در آمد تاجر و کسی که اتفاقاً منفعتی به دست آورده

۱- تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها، از وقتی که شروع به کاسبی می‌کنند يك سال که

بگذرد، باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می‌آید، بدهند.

۲- کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً معامله‌ای کند و منفعتی ببرد بعد از آن که يك سال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده است بدهد.

## مسأله ۱۶۷۵. زمان پرداخت خمس

۱- انسان می‌تواند در بین سال هر وقت که منفعتی به دست می‌آورد خمس آنرا بدهد.

۲- تأخیر خمس تا آخر سال جایز است.

۳- اگر برای دادن خمس، سال شمسی را ملاک شروع قرار دهد، مانعی نیست.

## مسأله ۱۶۷۶. اگر پس از منفعت بردن در بین سال فوت کند

کسی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقیمانده را بدهند.

## مسأله ۱۶۷۷. افزایش قیمت جنس مورد تجارت

۱- اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده است بالا رود و آنرا بفروشد و در بین سال قیمت آن پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته، بر او واجب نیست.

۲- اگر قیمت جنسی را که برای تجارت خریده بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آنرا بفروشد و قیمتش پایین آید، بنابر احتیاط واجب باید خمس مقداری که بالا رفته بدهد بلکه اگر به اندازه‌ای هم نگهداشته است که تجار معمولاً برای گران شدن جنس آنرا نگه می‌دارند، خمس مقداری را که بالا رفته، باید بدهد.

## مسأله ۱۶۷۸. افزایش قیمت جنس غیر مورد تجارت، و میوه درختی که خریده و چاق شدن گوسفند

۱- اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمس آنرا داده یا خمس ندارد مثلاً به او بخشیده‌اند، چنانچه قیمت آن بالا رود و آنرا بفروشد، مقداری که بر قیمت آن افزوده شده، خمس ندارد.

۲- اگر مثلاً درختی که خریده است میوه بیاورد، یا گوسفند چاق شود در صورتی که مقصود او از نگهداری آنها این بوده که منفعتی از آنها ببرد، باید خمس آنچه زیاد شده بدهد.

## مسأله ۱۶۷۹. میوه درختان باغی که احداث کرده

۱- اگر باغی احداث کند برای آن که بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید خمس میوه و رشد درخت‌ها و زیادی قیمت باغ را بدهد.

۲- اگر قصد او این باشد که از میوه آن استفاده کند، فقط باید خمس میوه را بدهد.

## مسأله ۱۶۸۰. درخت غرس شده

۱- اگر درخت بید و چنار و مانند آنها را بکارد کند، سالی که وقت فروش آنهاست، اگر چه آنها را بفروشد، باید خمس آنها را بدهد.

۲- اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال قطع می‌کنند، استفاده‌ای ببرد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر از مخارج سالش زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

### مسئله ۱۶۸۱. خمس چند نوع کسب

کسی که چند رشته کسب دارد، مثلاً اجاره ملک می‌گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می‌کند:

۱- چنانچه در هر رشته کسبی که دارد سرمایه و دخل و خرج و حساب صندوق جداگانه دارد، باید منافع همان رشته را حساب کند و خمس آنرا بدهد و اگر در آن رشته ضرر کند از رشته دیگر جبران نمی‌شود.

۲- اگر رشته‌های مختلف، در دخل و خرج و حساب صندوق، یکی باشد باید همه را آخر سال یکجا حساب کند و اگر نفع داشت خمس آنرا بدهد.

### مسئله ۱۶۸۲. هزینه‌های دلالی و حمل

خرج‌هایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می‌کند از فایده کسر می‌شود و خمس ندارد.

### مسئله ۱۶۸۳. خوراک، پوشاک، اثاثیه، خرید منزل، عروسی، جهیزیه دختر، زیارت

آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند آن می‌رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده‌روی نکرده باشد، خمس ندارد.

### مسئله ۱۶۸۴. مال نذری و کفاره، هدیه و جایزه

۱- مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند جزء مخارج سالیانه است.

۲- مالی را که به کسی می‌بخشد، یا جایزه می‌دهد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد، از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

### مسئله ۱۶۸۵. تهیه تدریجی جهیزیه

اگر انسان نتواند يك جا جهیزیه دختر را تهیه کند و مجبور باشد هر سال مقداری از آنرا تهیه نماید، یا در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می‌کنند، به طوری که تهیه نکردن آن عیب است، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیه بخرد، خمس ندارد.

### مسئله ۱۶۸۶. هزینه‌های سفر حج و زیارت‌های دیگر

مالی را که خرج سفر حج و زیارت‌های دیگر می‌کند:

۱- اگر مانند مرکب سواری باشد که عین آن باقی است و از منفعت آن استفاده می‌شود، از مخارج سالی محسوب می‌شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده، اگر چه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد.

۲- اگر آن مال مثل خوراکی‌ها، از بین رفتنی باشد، باید خمس مقداری را که در سال بعد واقع شده، بدهد.

**مسئله ۱۶۸۷.** احتساب مخارج سال از منافع تجارت

کسی که از کسب و تجارت فایده‌ای برده است، اگر مال دیگر هم دارد که خمس آن واجب نیست، می‌تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.

**مسئله ۱۶۸۸.** آذوقه افزون بر مصرف سال

۱- اگر آذوقه‌ای که از منفعت کسب برای مصرف سال خود خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

۲- چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده، زیاد شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کند.

**مسئله ۱۶۸۹.** اثاثیه منزل و زیور آلات خانم‌ها

۱- اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس اثاثیه‌ای برای منزل بخرد، چنانچه در بین سال احتیاجش از آن برطرف شود، بنا بر احتیاط واجب خمس لازم است. و در صورت برطرف شدن نیاز بعد از سال خمسی، خمس آن واجب نیست.

۲- زیور آلات زنانه هم این چنین است که اگر وقت زینت کردن زنها به آن بگذرد، باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۶۹۰.** کسر مخارج هر سال از منافع همان سال

اگر در يك سال منفعتی نبرد، نمی‌تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برد، کسر نماید.

**مسئله ۱۶۹۱.** مخارج شخص در جایی که در اول سال منفعتی نداشته

اگر در اول سال منفعتی به دست نیورد و از سرمایه خرج کند و قبل از پایان سال منفعتی بدستش آید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه برداشته، از منافع کسر نماید.

**مسئله ۱۶۹۲.** کم شدن بخشی از سرمایه کسب در اثر تلف و ضرر

اگر مقداری از سرمایه از بین برود و از باقیمانده آن منفعتی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده، بردارد.

**مسئله ۱۶۹۳.** تلف مال از غیر سرمایه کسب

چنانچه غیر از سرمایه، چیز دیگری از مال‌های او از بین برود:

۱- نمی‌تواند از منفعتی که بدستش می‌آید، آن چیز را تهیه کند.

۲- اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می‌تواند در بین سال از منافع کسب، آن چیز را تهیه نماید.

**مسئله ۱۶۹۴.** قرضی که اول سال برای مخارج خود گرفته

۱- اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و قبل از تمام شدن سال، منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

۲- اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند، می‌تواند از منافع سال‌های بعد قرض خود را ادا نماید.

**مسئله ۱۶۹۵.** حکم پرداخت قرض از منفعت کسب

۱- اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد، قرض کند، نمی‌تواند از منافع کسب، آن قرض را بدهد.

۲- اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده است از بین برود و ناچار شود قرض خود را بدهد، می‌تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

**مسئله ۱۶۹۶.** جنس خمسی که باید بدهد

بنابر احتیاط واجب، باید خمس مال حلال مخلوط به حرام را از عین همان مال بدهد.

ولی خمس‌های دیگر را می‌تواند از همان چیز بدهد، یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است، پول بدهد.

**مسئله ۱۶۹۷.** تصرف در مالی که خمس آن داده نشده

انسان تا زمانی که خمس مالش را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند، اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد.

**مسئله ۱۶۹۸.** بدهکاری خمسی و تصرف در مال

۱- کسی که خمس بدهکار است نمی‌تواند آن را به ذمه بگیرد (یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند) و در تمام مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود، باید خمس آن را بدهد.

۲- کسی که خمس بدهکار است، اگر با حاکم شرع مصالحه کند می‌تواند در تمام مال تصرف کند و بعد از مصالحه منافعی که از آن به دست می‌آید مال خود اوست.

**مسئله ۱۶۹۹.** اگر یکی از شرکا خمس منافع خود را ندهد

کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد، هیچ کدام نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

**مسئله ۱۷۰۰.** خمس منافع مربوط به سرمایۀ صغیر

اگر بچه صغیر سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافی به دست آید، بنابر احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۰۱.** مالی که یقین یا شك در دادن خمس آن دارد

۱- انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمس آن را نداده‌اند تصرف کند.

۲- در مالی که شك دارد خمس آن را داده‌اند یا نه، می‌تواند تصرف کند.

**مسئله ۱۷۰۲.** کسی که از اول سن تکلیف خمس نداده

کسی که از اول تکلیف، خمس نداده:

۱- اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود، چنانچه آن ملك را برای آن نخریده که قیمتش بالا رود و بفروشد (مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است)، اگر پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته: این ملك را به این پول می‌خرم، در صورتی که حاکم شرع معامله پنج يك آن را اجازه دهد، خریدار باید خمس مقداری که آن ملك ارزش دارد، بدهد. و همچنین است بنابر احتیاط واجب اگر چیزی را که خریده از اول قصد داشته که پول خمس نداده را عوض آن بدهد.

۲- اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد، خریده و یکسال از خرید آن گذشته باید خمس آن را بدهد.

۳- اگر اثاثیه خانه و چیزهای دیگر که به آنها احتیاج دارد، مطابق شأن خود خریده اگر بدانند در بین سالی که در آن منفعت برده است، آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر ندانند که در بین سال آن را خریده است، یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب باید با مجتهد جامع الشرائط مصالحه کند.

۲- معدن

**مسئله ۱۷۰۳.** خمس معدن

اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر، چیزی به دست آورده شود، چنانچه به مقدار نصاب رسیده باشد، خمس آن باید داده شود.

**مسئله ۱۷۰۴.** نصاب معدن

۱- نصاب معدن، بنابر احتیاط ۱۰۵ مثقال معمولی نقره سگه‌دار یا ۱۵ مثقال معمولی طلای سگه‌دار می‌باشد. اگر این دو نصاب از نظر قیمت تفاوت داشتند، بنابر احوط کمترین قیمت از آن دو در نظر گرفته می‌شود.

۲- اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره معمولی سگه‌دار یا ۱۵ مثقال طلای معمولی سگه‌دار برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۰۵.** اگر به حد نصاب نرسد

استفاده‌ای که از معدن برده، اگر قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره، یا ۱۵ مثقال طلا نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی، یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

**مسئله ۱۷۰۶.** گچ، آهک، گِل سرشور و گِل سرخ

گچ، آهک، گِل سرشور و گِل سرخ، بنابر احتیاط واجب از معدن محسوب می‌شود و خمس دارد.

**مسئله ۱۷۰۷.** معدن روی زمین، زیر زمین، معدن موجود در ملک و غیر ملک

کسی که از معدن چیزی به دست می‌آورد، باید خمس آن را بدهد، چه معدن روی زمین

باشد یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است، یا در جایی که مالک ندارد.

**مسئله ۱۷۰۸.** شك در حصول حدّ نصاب

اگر نداند چیزی را که از معدن بیرون آورده، به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا می‌رسد یا نه، بنابر احتیاط واجب، باید به وزن کردن، یا از راه دیگر، قیمت آن را معلوم کند.

**مسئله ۱۷۰۹.** اگر چند نفر از معدن استفاده کنند

اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اند، اگر سهم هر کدام به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهند.

**مسئله ۱۷۱۰.** استخراج معدن بدون اذن مالک

اگر معدنی را که در ملک دیگری است، استخراج کنند، آنچه از آن به دست می‌آید، مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای استخراج آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن استخراج شده است، بدهد.

۳- گنج

**مسئله ۱۷۱۱.** تعریف گنج

گنج: مالی است که در زمین، یا درخت، یا کوه، یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن گنج بگویند.

**مسئله ۱۷۱۲.** گنج در زمینی که ملک کسی نیست

اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود او است و باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۱۳.** نصاب گنج

نصاب گنج، ۱۰۵ مثقال معمولی نقره، یا ۱۵ مثقال معمولی طلا است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می‌آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن هزینه کرده، به ۱۰۵ مثقال معمولی نقره، یا ۱۵ مثقال معمولی طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۱۴.** گنج در زمین خریداری شده

۱- اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند که مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند، نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

۲- اگر احتمال دهد که گنج مذکور مال یکی از آنان است باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که قبل از او مالک زمین بوده است، خبر دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که قبل از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد و چنانچه معلوم شود مال هیچ یک از آنها نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۱۵.** خمس گنج‌های متعدّد

۱- اگر در ظرف‌های متعدّدی که در یکجا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم رفته ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلا باشد، باید خمس آن را بدهد.

۲- اگر در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام از آنها که قیمتش به این مقدار می‌رسد، خمس آن واجب است.

۳- گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده، خمس ندارد.

**مسئله ۱۷۱۶.** گنجی که دو نفر یابنده دارد

اگر دو نفر گنجی پیدا کنند، چنانچه قیمت سهم هر یک از آنان به ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۱۷.** اگر در شکم حیوانی که خریده مالی پیدا شود

اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند، چنانچه احتمال دهد که مال فروشنده است، بنابر احتیاط واجب، باید به او خبر دهد، و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند، و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک از آنان نیست، اگر چه قیمت آن، ۱۰۵ مثقال معمولی نقره، یا ۱۵ مثقال معمولی طلا نباشد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

۴- مال حلال مخلوط با حرام

**مسئله ۱۷۱۸.** خمس مال حلال مخلوط با حرام

اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود، که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.

**مسأله ۱۷۱۹.** با علم به مقدار مال حرام و جهل به مالک آن

۱- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند، ولی صاحب

آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحب آن صدقه بدهد.

۲- احتیاط واجب آن است که از مجتهد جامع الشرائط نیز اجازه بگیرد.

**مسأله ۱۷۲۰.** با علم به مالک مال حرام و جهل به مقدار آن

۱- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند، ولی صاحب آن را بشناسد، باید او را راضی کند.

۲- اگر صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن هم مال او است یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال اوست به او بدهد.

۳- احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد مال اوست، به او بدهد.

**مسأله ۱۷۲۱.** اگر مقدار مال حرام بیشتر از خمس بوده

اگر خمس مال حلال مخلوط با حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب، مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.

**مسأله ۱۷۲۲.** مشخص شدن مالک پس از دادن خمس یا صدقه از طرف او

۱- اگر خمس مال حلال مخلوط با حرام را بدهد و بعد از آن صاحبش معلوم شود، بنابر احتیاط واجب به مقدار مالش به او بدهد.

۲- اگر مالی را که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد و بعد از آن، صاحبش پیدا شود، بنابر احتیاط واجب به مقدار مالش به او بدهد.

**مسأله ۱۷۲۳.** با علم به مقدار مال حرام و تردید در مالک آن

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند بفهمد کیست، به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگر ممکن نگردد باید قرعه بیندازد و بنام هر کس افتاد، مال را به او بدهد.

۵- جواهر به دست آمده از غَوَاصی در دریا

**مسأله ۱۷۲۴.** نوع جواهر به دست آمده، نصاب آن

اگر به واسطه غواصی (یعنی فرو رفتن در دریا)، لؤلؤ و مرجان، یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا به دست می‌آید، بیرون آورند، روئیدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده‌اند، قیمت آن به (۱۸) نخود طلا برسد، باید خمس آنرا بدهند، چه در يك دفعه آنرا از دریا بیرون آورده باشند، یا در چند دفعه، آنچه از دریا بیرون آورده از يك جنس باشد، یا از چند جنس.

**مسأله ۱۷۲۵.** اگر چند نفر آنرا استخراج کرده باشند

اگر چند نفر آنرا بیرون آورده باشند، هر کدام آنان که قیمت سهمش به (۱۸) نخود طلا برسد، باید خمس بدهد.

**مسأله ۱۷۲۶.** جواهر به دست آمده از غیر راه غواصی

۱- اگر بدون فرو رفتن در دریا و به وسیله وسائلی جواهر را بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن هزینه کرده، قیمت آن به (۱۸) نخود طلا برسد، بنا بر احتیاط خمس آن واجب است.

۲- اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آنرا بدهد که این کار شغل او باشد و از مخارج سال او به تنهایی یا با منفعتهای دیگر زیاد بیاید.

**مسأله ۱۷۲۷.** خمس ماهی و دیگر حیوانات دریایی

خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد، در صورتی واجب است که برای کسب بگیرد و به تنهایی، یا با منفعتهای دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

**مسأله ۱۷۲۸.** اگر اتفاقاً از راه غواصی به دست آید

اگر انسان بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورد، در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری بدستش آید، در صورتی که قصد کند آن چیز ملکش باشد، باید خمس آنرا بدهد.

**مسأله ۱۷۲۹.** اگر از شکم حیوان دریایی به دست آید

۱- اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد، چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر است باید خمس آنرا بدهد.

۲- اگر آن حیوان اتفاقاً آن جواهر را بلعیده باشد، احتیاط آن است که حکم گنج را در آن جاری کند.

**مسأله ۱۷۳۰.** اگر از رودهای بزرگ به دست آید

اگر در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می‌آید، باید خمس آنرا بدهد.

مسئله ۱۷۳۱. خمس عنبر پیدا شده از آب

۱- اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد باید خمس آن را بدهد.

۲- چنانچه آنرا از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد، اگر قیمت آن به مقدار (۱۸) نخود طلا هم نرسد، در صورتی که این کار کسبش باشد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر او از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۷۳۲. یکبار پرداخت خمس کافی است

کسی که شغل و کسب او غواصی یا استخراج معدن است، اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۷۳۳. پرداخت خمس صغیر توسط ولی

اگر بچه‌ای معدنی را بیرون آورد، یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد، یا گنجی پیدا کند، یا به واسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد، ولی او باید خمس آنها را بدهد.

۶- غنیمت

مسئله ۱۷۳۴. غنیمت

۱- اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آنها غنیمت گفته می‌شود.

۲- مخارجی که برای غنیمت هزینه شده است، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام علیه السلام است، باید از غنیمت کنار بگذارند، و خمس بقیه آن را بدهند.

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان خریداری می‌کند

مسئله ۱۷۳۵. زمینی که کافر ذمی از مسلمان خریداری می‌کند

۱- اگر کافر ذمی زمین را از مسلمان بخرد، باید خمس آنرا از همان زمین بدهد و اگر پول آنرا هم بدهد اشکال ندارد.

۲- اگر غیر از پول چیز دیگری بدهد، باید با اذن حاکم شرع باشد.

۳- اگر خانه و دکان و مانند آنرا از مسلمان بخرد، چنانچه زمین آنرا جداگانه قیمت کنند و بفروشند، باید خمس آنرا بدهد.

۴- اگر خانه و دکان را روی هم رفته بفروشند و زمین به تبع آن منتقل شود، خمس زمین واجب نیست.

۵- در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می‌گیرد لازم نیست قصد قربت نماید.

مسئله ۱۷۳۶. اگر آن زمین را به مسلمان دیگری بفروشد، ارث مسلمان از زمین کافر ذمی

۱- اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده است، به مسلمان دیگری هم بفروشد، باید کافر ذمی خمس آنرا بدهد.

۲- اگر کافر ذمی بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید خمس آنرا از همان زمین، یا از مال دیگرش بدهد.

**مسئله ۱۷۳۷.** اگر در خرید زمین شرط کند که خمس ندهد

۱- اگر کافر ذمی در وقت خرید زمین شرط کند که خمس آنرا ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آنرا بدهد، شرط او صحیح نیست و باید خمس آنرا بدهد.

۲- اگر کافر ذمی شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد، اشکال ندارد.

**مسئله ۱۷۳۸.** زمینی که از راه دیگر از مسلمانی مالک می شود

اگر مسلمان زمینی را به کافر ذمی صلح نماید و عوض آنرا بگیرد، مثلاً با او صلح نماید، بنابر احتیاط واجب در ضمن عقد با کافر ذمی شرط کند که خمس آنرا بدهد.

**مسئله ۱۷۳۹.** زمینی که ولیّ او برای او می خرد

اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولیّ او زمینی را برای او بخرد، احتیاط واجب آن است که بعد از بلوغ، خمس زمین را از او بگیرند.

مصرف خمس

**مسئله ۱۷۴۰.** سهم سادات و امام علیه السلام، پرداخت آن به غیر مرجع تقلید

الف خمس را باید دو قسمت کرد:

۱- يك قسمت آن سهم سادات است که امر آن با حاکم است و باید آنرا، یا به مجتهد جامع الشرائط بدهند، یا با اجازه او به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده باشد، بدهند.

۲- يك نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید آنرا به مجتهد جامع الشرائط بدهند، یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند.

ب اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کند بدهد، در صورتی که او اذن داده می شود که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می کند، سهم امام را به يك صورت مصرف می کنند.

**مسئله ۱۷۴۱.** سید یتیم

۱- سید یتیمی که به او و در راه مانده خمس می دهند، باید فقیر باشد.

۲- سیدی که در سفر درمانده است، اگر در وطنش فقیر هم نباشد، می شود به او خمس داد.

۳- سیدی که در سفر درمانده است، اگر سفر او سفر معصیت باشد نباید به او خمس بدهند. **مسئله ۱۷۴۲**. سیدی که عادل یا دوازده امامی نیست

۱- به سیدی که عادل نیست می شود خمس داد.

۲- به سیدی که دوازده امامی نیست نباید خمس داد.

**مسئله ۱۷۴۳**. سید گناهکار

۱- اگر خمس دادن به سیدی که گناه کار است، کمک به معصیت او باشد، نمی توان به او خمس داد.

۲- به سیدی که آشکارا معصیت می کند، اگر چه دادن خمس به او کمک به معصیت او

نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

**مسئله ۱۷۴۴**. راه اثبات سید بودن

۱- اگر کسی بگوید: سیدم، نمی شود به او خمس داد.

۲- اگر دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند، یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است، می توان به او خمس داد.

۳- به کسی که در شهر خود به سید بودن مشهور است (اگر چه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد)، می توان به او خمس داد.

**مسئله ۱۷۴۵**. خمس شوهر به همسر سیده اش

۱- بنابر احتیاط واجب، شوهر نباید برای مخارج همسر خود که سیده است، به او خمس بدهد.

۲- اگر زن مخارج دیگری دارد که به آن محتاج است و بر شوهرش واجب نیست، جایز است شوهر خمس خود را به او بدهد تا به مصرف آنان برساند.

**مسئله ۱۷۴۶**. خمس انسان به سیده واجب التّفقه اش

۱- اگر مخارج سیدی که همسر انسان نیست بر انسان واجب باشد، بنابر احتیاط واجب، نمی تواند از خمس خود، خوراک و پوشاک او را تأمین کند.

۲- ولی اگر مقداری خمس، ملک او کند که آنرا به مصرف دیگری که پرداخت آن بر خمس دهنده واجب نیست برساند، مانعی ندارد.

**مسئله ۱۷۴۷**. سیدی که مخارج او بر عهده کسی است که توانایی آنرا ندارد

به سید فقیری که مخارج او بردیگری واجب است و او نمی‌تواند مخارج آن سید را بدهد، می‌توان خمس داد.

**مسئله ۱۷۴۸.** حداکثر خمسی که می‌توان داد

احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج يك سال به يك سید فقیر خمس ندهند.

**مسئله ۱۷۴۹.** اگر در شهر خود مستحق نباشد

الف اگر در شهر انسان سید فقیری نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود، یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد:

۱- باید خمس را به شهر دیگری ببرد و به مستحق برساند. احتیاط آن است که هزینه بردن آنرا از خمس بردارد.

۲- اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آنرا بدهد و اگر کوتاهی نکرده باشد، چیزی بر او واجب نیست.

ب هر گاه در شهر خودش مستحق نباشد، ولی احتمال دهد که پیدا شود، اگر چه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد:

۱- می‌تواند خمس را به شهر دیگر ببرد.

۲- چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود، نباید چیزی بدهد، ولی نمی‌تواند مخارج بردن آنرا از خمس بردارد.

**مسئله ۱۷۵۰.** انتقال خمس به شهر دیگر با وجود مستحق در شهر

۱- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، باز هم می‌تواند خمس را به شهر دیگر ببرد و به مستحق برساند ولی مخارج بردن آنرا باید از خودش بدهد.

۲- در صورتی که خمس از بین برود، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن است.

**مسئله ۱۷۵۱.** اگر در انتقال به شهر دیگر تلف شود

۱- اگر با اذن حاکم شرع خمس را به شهر دیگر ببرد و از بین برود، لازم نیست دوباره خمس بدهد.

۲- همچنین است، اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر ببرد.

**مسئله ۱۷۵۲.** اگر از غیر مالی که خمس آن واجب است پرداخت کند

اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد:

۱- به احتیاط واجب باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

۲- باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند.

۳- چنانچه گران‌تر از قیمت حساب کند، اگر چه فرد مستحقّ به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده است بدهد.

**مسأله ۱۷۵۳.** اگر از مستحقّ خمس طلب دارد

کسی که از مستحقّ طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند، بنابر احتیاط واجب باید خمس را به او بدهد و پس از آن شخص مستحقّ آنرا بابت بدهی خود به او برگرداند ولی اگر با اذن حاکم شرع باشد این احتیاط لازم نیست.

**مسأله ۱۷۵۴.** بخشیدن خمس به دهنده آن

۱- مستحقّ نمی‌تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد.

۲- کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و امید چیزدار شدن او هم نمی‌رود و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحقّ راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

**مسأله ۱۷۵۵.** خمس دست‌گردان شده از منافع سال بعد کم نمی‌شود

اگر خمس را با مجتهد جامع الشرائط، یا وکیل او، یا با سیّد، دست‌گردان کند و بخواهد در سال بعد آنرا بپردازد، نمی‌تواند از منافع آن سال کسر کند، پس اگر مثلاً هزار تومان دست‌گردان کرده و از منافع سال بعد دو هزار تومان بیشتر از مخارج خود داشته باشد، باید خمس دو هزار تومان را بدهد و هزار تومانی را که بابت خمس بدهکار است، از بقیه بپردازد.

احکام زکات

**مسأله ۱۷۵۶.**

چیزهایی که زکات آن واجب است

الف زکات نه چیز واجب است:

۱- گندم ۴- کشمش ۷- شتر

۲- جو ۵- طلا ۸- گاو

۳- خرما ۶- نقره ۹- گوسفند

ب اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود، باید مقداری را که در شرع معین شده است، به یکی از مصارفی که دستور داده‌اند، برساند.

**مسأله ۱۷۵۷.** زکات سُلّت و عُلّس

۱- سُلت که دانه‌ای به نرمی گندم است و خاصیت جو دارد، زکات ندارد.

۲- عُلَس که مثل گندم است و خوراک مردم صنعا می‌باشد، زکاتش بنابر احتیاط واجب باید داده شود.

شرایط واجب شدن زکات

مسئله ۱۷۵۸. شرایط وجوب زکات

شرایط وجوب زکات:

۱- مال مورد نظر به مقدار نصاب که بعداً گفته می‌شود برسد.

۲- مالک آن، بالغ، عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

مسئله ۱۷۵۹. زمان پرداخت زکات حیوان و طلا و نقره

بعد از آن که انسان دوازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره بود باید زکات آن را

بدهد، ولی از اول ماه دوازدهم نمی‌تواند طوری در مال تصرف کند که مال از بین برود و اگر تصرف کند ضامن است و چنانچه در ماه دوازدهم بدون اختیار او بعضی از شرطهای زکات از بین برود زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۷۶۰. بالغ شدن مالک در بین سال

اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۱۷۶۱. زمان وجوب و پرداخت زکات

۱- زکات گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آن گندم و جو گفته شود.

۲- زکات کشمش بنابر احتیاط، وقتی واجب می‌شود که غوره است.

۳- زکات خرما وقتی واجب می‌شود که قدری خشک شود، یعنی به آن تمر بگویند.

۴- وقت دادن زکات در گندم و جو، موقع خرمن و جدا کردن کاه از آنها است.

۵- وقت دادن زکات در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند.

مسئله ۱۷۶۲. شرط بلوغ برای مالک غلات

اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شده، صاحب آنها بالغ باشد، باید زکات آنها را بدهد.

**مسئله ۱۷۶۳.** اگر در تمام یا قسمتی از سال دیوانه بود

۱- اگر مالك گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد زکات بر او واجب نیست.

۲- اگر مالك مزبور در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد و دیوانگی او به قدری کم باشد که مردم بگویند در تمام سال عاقل بوده، بنا بر احتیاط، زکات بر او واجب است.

**مسئله ۱۷۶۴.** اگر در قسمتی از سال مست یا بیهوش باشد

۱- اگر مالك گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست، یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود.

۲- اگر مالك در وقت واجب شدن زکات گندم، جو، خرما و کشمش، مست یا بیهوش باشد، زکات از او ساقط نمی‌شود.

**مسئله ۱۷۶۵.** زکات مال غصب شده

۱- مالی را که از انسان غصب کرده‌اند و نمی‌تواند در آن تصرف کند، زکات ندارد.

۲- اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکات آن واجب می‌شود در دست غصب کننده باشد، موقعی که به صاحبش بر می‌گردد زکات ندارد.

**مسئله ۱۷۶۶.** زکات مال قرضی

اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکات آن واجب است قرض کند و يك سال نزد او بماند، باید زکات آن را بدهد و برکسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

زکات گندم، جو، خرما و کشمش

**مسئله ۱۷۶۷.** لزوم نصاب و مقدار آن

۱- زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسد.

۲- نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز، ۴۵ مثقال کم است که  $۸۴۷ / ۲۰۷$  کیلوگرم می‌شود.

**مسئله ۱۷۶۸.** مقداری که پس از وجوب زکات به مصرف رسیده

اگر مالك، یا عیال‌های او قبل از پرداخت زکات، مقداری از انگور و خرما و جو و گندمی را که زکات آنها واجب شده است بخورند، یا مثلاً به فقیر بدهد. باید زکات مقداری را که مصرف کرده بدهد.

**مسئله ۱۷۶۹.** اگر مالك فوت کند

۱- اگر بعد از آن که زکات گندم، جو، خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند.

۲- اگر مالک قبل از واجب شدن زکات بمیرد، هر يك از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد.

**مسأله ۱۷۷۰.** زمان مطالبه زکات از مالک

۱- کسی که از طرف حاکم شرع مأمور جمع‌آوری زکات است، در وقت خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می‌کنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور، می‌تواند زکات را مطالبه کند.

۲- اگر مالک، زکات را پرداخت نکند و چیزی که زکات آن واجب شده است، از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

**مسأله ۱۷۷۱.** اگر زکات بعد از مالک شدن واجب شود

اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور، یا زراعت گندم و جو، زکات آنها واجب شود، باید زکات آن را بدهد.

**مسأله ۱۷۷۲.** اگر مال را بعد از وجوب زکات بفروشد

اگر بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، باید فروشنده زکات آنها را بدهد.

**مسأله ۱۷۷۳.** معامله مالی که زکات آن واجب شده

۱- اگر انسان گندم، یا جو، یا خرما، یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را پرداخت کرده است، یا در پرداخت آن شك کند، چیزی بر او واجب نیست.

۲- اگر بداند که فروشنده زکات آن را نداده، چنانچه مجتهد جامع الشرائط معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود، اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است و مجتهد جامع الشرائط می‌تواند آن مقدار را از خریدار بگیرد.

۳- اگر مجتهد جامع الشرائط معامله مقدار زکات را اجازه دهد، آن معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به مجتهد جامع الشرائط بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، می‌تواند از او پس بگیرد.

**مسأله ۱۷۷۴.** اگر با خشک شدن از مقدار نصاب کمتر شود

اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش در وقتی که تر است به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

**مسأله ۱۷۷۵.** اگر قبل از خشک شدن مقداری مصرف شود

اگر گندم و جو و خرما را قبل از خشک شدن مصرف کند، اگر چه خشک شده آنها به اندازه نصاب باشد، زکات آنها واجب نیست و اگر احتیاطاً زکات آنها را بدهد خیلی پسندیده است.

**مسئله ۱۷۷۶.** خرماى تازه‌اى كه اگر بماند خيلى كم مى‌شود

خرمايى كه تازه آنرا مى‌خورند و اگر بماند خيلى كم مى‌شود، چنانچه مقدارى باشد كه وزن خشك آن به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال كم برسد، زكات آن واجب است.

**مسئله ۱۷۷۷.** مالى كه زكات آن داده شده

گندم و جو و خرما و كشمشى كه زكات آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند، زكات ندارد.

**مسئله ۱۷۷۸.** مقدار زكات غلات

اگر گندم و جو و خرما و انگور هم از آب باران مشروب مى‌شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده شود:

۱- چنانچه طورى باشد كه بگويند با دلو آبيارى شده نه باران، زكات آن يك بيستم است.

۲- اگر طورى باشد كه بگويند با آب باران آبيارى شده، زكات آن يك دهم است.

۳- اگر طورى باشد كه نگويند با آب باران آبيارى شده و نيز نگويند كه با آب دلو و مانند آن آبيارى شده، زكات در نصف آن يك دهم و در نصف ديگر يك بيستم مى‌باشد و احتياط مستحب يك دهم است.

۴- اگر طورى باشد كه بگويند آبيارى با آب نهر و باران غلبه داشته، زكات آن ده يك است، بلكه اگر نگويند آب باران و نهر غلبه داشته، ولى آبيارى با آب باران و نهر بيشتر از آب دلو و مانند آن باشد، بنا بر احتياط، زكات آن ده يك مى‌باشد.

**مسئله ۱۷۷۹.** در صورت شك در نوع آبيارى

اگر شك كند كه با آب باران يا با دلو و موتور و پمپ آبيارى شده، يك بيستم بر او واجب مى‌شود، مگر آن كه مسبوق به آبيارى بدون علاج (مثلاً بدون دلو) باشد و شك كند در برطرف شدن آن، كه همان اكثر واجب است، بلكه بنا بر احتياط همان اكثر واجب است.

**مسئله ۱۷۸۰.** اگر از آبيارى ديگرى كه نيازى به آن نيست استفاده كند

۱- اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران يا نهر، مشروب و به آب دلو و موتور و پمپ محتاج نباشد، ولى با آب دلو و موتور هم آبيارى شود، ليكن آب دلو و موتور تأثيرى در زياد شدن محصول نداشته باشد، زكات آن يك دهم است.

۲- اگر با دلو و موتور آبيارى شود و به آب نهر، يا باران محتاج نباشد، ولى با آب نهر يا باران هم مشروب شود، ليكن در زياد شدن محصول تأثيرى نگذارد، زكات آن يك بيستم است.

**مسئله ۱۷۸۱.** اگر زراعت از رطوبت زمين مجاور استفاده كرده

اگر زراعتی را با دلو، یا موتور، یا پمپ آبیاری کند و در زمینی که در جوار آن است زراعتی کند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده، یک بیستم و زکات زراعتی که در جوار آن است، یک دهم می‌باشد.

محاسبه هزینه‌ها

**مسئله ۱۷۸۲.** محاسبه هزینه‌ها

مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است، حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به وسیله زراعت کم شده، می‌تواند از حاصل کسر کند، چنانچه قبل از کم کردن آنها وزن محصول به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکات باقیمانده آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۸۳.** قیمت بذر

قیمت وقتی که تخم را برای زراعت پاشیده می‌تواند جزء مخارج حساب کند.

**مسئله ۱۷۸۴.** هزینه‌های مختلف زراعت

۱- اگر زمین و اسباب زراعت، یا یکی از آندو ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند.

۲- برای کارهایی که خود مالک انجام داده است، یا فرد دیگری آن را بدون اجرت انجام داده است، چیزی از حاصل کسر نمی‌شود.

**مسئله ۱۷۸۵.** قیمت انگور یا درخت انگور یا خرما خریداری شده

۱- اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست.

۲- اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکات بخرد، پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می‌شود.

**مسئله ۱۷۸۶.** قیمت زمین و زراعت خریداری شده

۱- اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده است جزء مخارج حساب نمی‌شود.

۲- اگر زراعت را پیش از تعلق زکات بخرد پولی را که برای خرید آن داده است می‌تواند جزء مخارج حساب کند و از حاصل کم نماید.

۳- در صورت فوق باید قیمت گاهی را که از آن به دست می‌آید از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید، مثلاً اگر زراعت را پانصد هزار تومان بخرد و قیمت گاه آن صد هزار تومان باشد، فقط چهار صد هزار تومان آن را می‌تواند جزء مخارج حساب نماید.

**مسئله ۱۷۸۷.** قیمت وسایل کشاورزی در جایی که بدون آن نیز زراعت ممکن است

کسی که بدون گاو و وسایل کشاورزی دیگر که برای زراعت لازم است، می‌تواند زراعت

کند، اگر آن وسایل را بخرد، نباید پولی را که برای خرید آنها داده جزء مخارج حساب نماید.

**مسئله ۱۷۸۸.** قیمت یا استهلاك وسایل کشاورزی خریداری شده

کسی که بدون گاو و وسایل کشاورزی دیگری که برای زراعت لازم است نمی تواند زراعت کند:

۱- اگر آنها را بخرد و به واسطه زراعت به کلی از بین برود، می تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود، می تواند آن مقدار را جزء مخارج حساب کند.

۲- ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

**مسئله ۱۷۸۹.** محاسبه هزینه در زمینی که محصولات مختلف در آن کشت شده

اگر در يك زمین، جو و گندم و چیزی مانند برنج و لوبیا که زکات آن واجب نیست بکارند:

۱- خرج هایی که برای هر يك از آنها کرده فقط پای همان حساب می شود.

۲- اگر برای هر دو مخارجی کرده است، باید آنرا دو قسمت نماید، مثلاً اگر هر دو به يك اندازه بوده، می تواند نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد کسر نماید.

**مسئله ۱۷۹۰.** هزینه های شخم زدن و مانند آن که اثرش برای چند سال باقی می ماند

اگر برای سال اول عملی مانند شخم زدن انجام دهد، اگر چه برای سال های بعد هم فایده داشته باشد، باید مخارج آنرا از سال اول کسر کند، ولی اگر برای چند سال عمل کند باید بین آنها تقسیم نماید.

**مسئله ۱۷۹۱.** اگر در چند شهر و با اختلاف فصول محصولات مختلف دارد

۱- اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در يك وقت به دست نمی آید، گندم، جو، خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول يك سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب، یعنی ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم باشد، باید زکات آنرا موقعی که می رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت به دست می آید، ادا نماید.

۲- اگر آنچه اول می رسد به اندازه نصاب نباشد، صبر می کند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود زکات آن واجب نیست.

**مسئله ۱۷۹۲.** اگر درخت خرما یا انگور در يك سال دو مرتبه میوه دهد

اگر درخت خرما، یا انگور در يك سال دو مرتبه میوه دهد، چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد، بنابر احتیاط، زکات آن واجب است.

**مسئله ۱۷۹۳.** پرداخت زکات از خرما و انگور تازه

اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می‌شود، چنانچه به قصد زکات از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است، اشکالی ندارد.

**مسئله ۱۷۹۴.** پرداخت زکات خرمای خشک یا کشمش از تازه آنها و بر عکس

۱- اگر زکات خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد، نمی‌تواند زکات آن را از خرمای تازه یا انگور بدهد.

۲- اگر زکات خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی‌تواند زکات آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد.

۳- اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد مانعی ندارد.

**مسئله ۱۷۹۵.** زکات مال میت و بدهکاری‌های او

۱- کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده، اگر بمیرد باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند.

۲- کسی که بدهکار است و گندم، جو، خرما یا انگور هم دارد، اگر بمیرد و پیش از آن که زکات آنها واجب شود ورثه او قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، با اجتماع سایر شرایط، در صورتی که بعد از تمام شدن نمو و قبل از تعلق زکات به او منتقل شده باشد، بنابر احتیاط واجب باید زکات بدهند. و در صورتی که قبل از تمام شدن نمو به او منتقل شده باشد، بنابر اقوا دادن زکات بر او واجب است.

۳- اگر پیش از آن که زکات آنها واجب شود، قرض او را ندهند، چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد، واجب نیست زکات اینها را بدهند.

۴- اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او به قدری است که اگر بخواهند ادا نمایند باید مقداری از گندم، جو، خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می‌دهند زکات ندارد و بقیه مال از آن ورثه است و هر کدام از آنان که سهمشان به اندازه نصاب شود، باید زکات آن را بدهد.

**مسئله ۱۷۹۶.** غلاتی که خوب و بد دارد

اگر گندم، جو، خرما و کشمشی که زکات آنها واجب شده خوب و بد دارد، باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد و یا زکات همه را از خوب و بد بدهد و به احتیاط واجب زکات همه را از بد نمی‌تواند بدهد.

زکات طلا و نقره

**مسئله ۱۷۹۷.** نصاب طلا

طلا دو نصاب دارد:

۱- نصاب اول آن، بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، انسان باید چهل يك (۵ / ۲۰٪) آنرا که نه نخود می شود به عنوان زکات پردازد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

۲- نصاب دوم آن، چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می شود اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل يك بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۵ مثقال آنرا بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده، زکات ندارد.

**مسئله ۱۷۹۸.** نصاب نقره

۱- نقره دو نصاب دارد:

الف نصاب اول آن، ۱۰۵ مثقال معمولی است، که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، انسان باید چهل يك (۵ / ۲۰٪) آنرا که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است، از بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکات آن واجب نیست.

ب نصاب دوم آن، ۲۱ مثقال است.

۲- اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد بدهد.

۳- اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال آنرا بدهد و زیادی آن زکات ندارد.

۴- اگر وزن نقره بالا رود، بر اساس دو فرض فوق محاسبه می گردد، یعنی اگر ۲۱ مثقال دیگر اضافه شود باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شده، مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکات ندارد.

۵- اگر شخصی چهل يك هر چه طلا و نقره دارد پردازد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است، مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد، اگر چهل يك آنرا بدهد، زکات ۱۰۵ مثقال آنرا که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

**مسئله ۱۷۹۹.** زکات طلا و نقره برای سالهای بعد

کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگر چه زکات آنرا داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده، همه ساله باید زکات آنرا بدهد.

**مسئله ۱۸۰۰.** نوع طلا و نقره ای که زکات دارد

۱- زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آنرا سگه زده باشند و معامله با آن رایج باشد.

۲- و اما در سکه طلا و نقره‌ای که منقوش نشده‌اند زکات واجب نیست مگر آن که رایج در معاملات باشند که زکاتشان بنا بر احوط واجب است.

**مسئله ۱۸۰۱.** طلا و نقره سکه‌دار زینتی خانمها

طلا و نقره سکه‌داری که زن‌ها برای زینت بکار می‌برند، زکات ندارد، اگر چه رایج باشد.

**مسئله ۱۸۰۲.** اگر به نصاب اول نمی‌رسد

کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۸۰۳.** مالک بودن مقدار نصاب به مدت یازده ماه

۱- زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد.

۲- اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود، زکات بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۸۰۴.** تعویض، آب کردن و تبدیل طلا و نقره در بین یازده ماه

۱- اگر در بین یازده ماه طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست.

۲- اگر برای فرار از دادن زکات آنها را تبدیل کند، احتیاط مستحب آن است که زکات را بدهد.

**مسئله ۱۸۰۵.** اگر پول طلا و نقره را در ماه دوازدهم آب کند

۱- اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکات آنها را بدهد.

۲- چنانچه به واسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکاتی را که قبل از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

**مسئله ۱۸۰۶.** طلا و نقره‌ای که خوب و بد دارد

اگر طلا و نقره‌ای که دارد خوب و بد داشته باشد، می‌تواند زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد، ولی بهتر است زکات همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

**مسئله ۱۸۰۷.** اگر بیش از مقدار معمول فلز دیگری مخلوط دارند

۱- طلا و نقره‌ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگری دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب (که مقدار آن گفته شد) برسد، انسان باید زکات آن را بدهد.

۲- و چنانچه شك دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، زکات آن واجب نیست.

**مسأله ۱۸۰۸.** اگر به مقدار معمول فلز دیگری مخلوط دارد

۱- اگر طلا و نقره‌ای که دارد به مقدار معمول فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی‌تواند زکات آنرا از طلا و نقره‌ای بدهد که بیشتر از معمول فلز دیگر دارد.

۲- اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا و نقره خالصی که در آن هست به اندازه زکاتی می‌باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

زکات شتر، گاو و گوسفند

**مسأله ۱۸۰۹.** شرایط اختصاصی زکات حیوان

زکات شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد، دو شرط دیگر دارد:

۱- حیوان در تمام سال بیکار باشد و اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، زکات آن واجب است.

۲- حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد پس اگر تمام سال، یا مقداری از آنرا از علف چیده شده، یا از زراعتی که ملك مالك، یا ملك کسی دیگر است بچرد، زکات ندارد اما اگر در تمام سال یکی دو روز از علف مالك بخورد، بنا بر احتیاط زکات آن واجب است.

**مسأله ۱۸۱۰.** با چرای حیوان از چراگاه طبیعی، خریداری یا اجاره شده

۱- اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته است بخرد یا آنرا اجاره کند باید زکات را بدهد.

۲- اگر برای چراندن در چراگاهی که کسی آنرا نکاشته باج بدهد، باید زکات را بدهد.

**مسأله ۱۸۱۱.** نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد:

اول: پنج شتر، در این صورت زکات آن يك گوسفند است، یعنی تا تعداد شتران به این مقدار نرسد زکات ندارد.

دوم: ده شتر، و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: پانزده شتر، و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: بیست شتر، و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم: بیست و پنج شتر، و زکات آن پنج گوسفند است.

ششم: بیست و شش شتر، و زکات آن يك شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: سی و شش شتر، و زکات آن يك شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: چهل و شش شتر، و زکات آن يك شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: شصت و يك شتر، و زکات آن يك شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم: هفتاد و شش شتر، و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

یازدهم: نود و يك شتر، و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

دوازدهم: صد و بیست و يك شتر و بالاتر از آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا، شتری که داخل سال سوم شده باشد، بدهد و یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا، شتری که داخل سال چهارم شده باشد، بدهد. یا با چهل و پنجاه حساب کند.

ولی در هر صورت باید طوری حساب کرد که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد شتر، دو شتری که داخل سال چهارم شده و برای چهل شتر نیز يك شتر ماده ای که داخل سال سوم شده باشد، بدهد. «۱»

---

(۱). شتر زکات باید ماده باشد.

### مسئله ۱۸۱۲. زکات ما بین دو نصاب شتر

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره شترهایی که شخص دارد از نصاب اول که پنج شتر است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکات پنج تای آنرا بدهد و همچنین است در نصاب های بعد.

### مسئله ۱۸۱۳. نصاب گاو

الف گاو دو نصاب دارد:

۱- نصاب اول آن ۳۰ رأس است که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید گوساله ای که داخل سال دوم شده است، از بابت زکات بدهد.

۲- نصاب دوم آن، چهل است و زکات آن گوساله ماده ای است که داخل سال سوم شده باشد.

ب زکات ما بین سی و چهل واجب نیست مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد.

ج اگر از چهل گاو زیادتیر داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تایی آنرا بدهد و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله‌ای که داخل سال دوم شده بدهد.

د اگر تعداد گاوها از شصت تا بالا رود باید یا سی تا سی تا حساب کند، یا چهل تا چهل تا، یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آنرا به دستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تایی آن زکات سی تا و برای چهل تایی آن زکات چهل تا را بدهد، چون اگر با سی تا حساب کند، ده تا زکات نداده باقی می‌ماند.

**مسئله ۱۸۱۴.** نصاب گوسفند

الف گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل گوسفند در این صورت زکات آن يك گوسفند است و تا تعداد گوسفندان به

چهل نرسد زکات ندارد.

دوم: صد و بیست و يك گوسفند که زکات آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و يك گوسفند که زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: سیصد و يك گوسفند که زکات آن بنا بر احتیاط واجب چهار گوسفند است.

پنجم: چهار صد و بالاتر از آن که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صدتایی آنها يك گوسفند بدهد.

ب لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد، یا مطابق گوسفند پول بدهد کافی است، اما اگر بخواهد چیز دیگری بدهد، در صورتی بی‌اشکال است که برای فقرا بهتر باشد، اگر چه لازم نیست.

**مسئله ۱۸۱۵.** گوسفندان بین دو نصاب

زکات ما بین دو نصاب واجب نیست، پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد تا به نصاب دوم که صد و بیست و يك گوسفند است نرسیده، فقط باید زکات چهل تایی آنرا بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است در نصاب‌های بعد.

**مسئله ۱۸۱۶.** نر و ماده بودن حیوان

زکات شتر، گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد، واجب است، خواه همۀ آنها نر باشند یا ماده یا بعضی نر و بعضی ماده باشند.

**مسئله ۱۸۱۷.** گاومیش، شتر غیر عربی، بز، میش و شیشک

در زکات، گاو و گاومیش يك جنس حساب می‌شود و شتر عربی و غیر عربی يك جنس است، و همچنین بز و میش و شیشك در زکات با هم فرق ندارند.

---

خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (امام خمینی)، در يك جلد، اول، ۱۴۲۶ ه ق

**مسئله ۱۸۱۸.** سن گوسفند و بز که برای زکات داده می‌شوند

۱- اگر گوسفند زکات بدهد باید اقلًا داخل سال دوم شده باشد.

۲- اگر برای زکات، بُز بدهد، باید داخل سال سوم شده باشد.

**مسئله ۱۸۱۹.** قیمت حیوانی که برای زکات داده می‌شود

۱- اگر قیمت گوسفندی را که بابت زکات می‌دهد مختصری از گوسفندهای دیگر مالک کمتر باشد، اشکال ندارد.

۲- بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهای او بیشتر است، برای زکات بدهد.

۳- دو حکم مذکور در مورد گاو و شتر نیز وجود دارد.

**مسئله ۱۸۲۰.** اگر چند نفر با هم شریک باشند

اگر چند نفر با هم شریک باشند، هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است، زکات واجب نیست.

**مسئله ۱۸۲۱.** اگر در چند جا حیوان دارد

اگر يك نفر در چند جا گاو، شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهد.

**مسئله ۱۸۲۲.** با وجود بیماری در حیوان

اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکات آنها را بدهد.

**مسئله ۱۸۲۳.** سلامت حیوانی که برای زکات داده می‌شود

۱- اگر گاو، گوسفند یا شتری که دارد همه مریض، معیوب یا پیر باشند، می‌تواند زکات را از خود آنها بدهد.

۲- اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند نمی‌تواند زکات آنها را از مریض، یا معیوب یا پیر بدهد.

۳- اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته‌ای معیوب و دست‌ه دیگری بی‌عیب و تعدادی پیر و تعدادی جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکات آنها از سالم و بی‌عیب و جوان بدهد.

**مسئله ۱۸۲۴.** تعویض حیوانات با چیز دیگر

اگر قبل از تمام شدن ماه یازدهم، گاو، گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند، یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۸۲۵.** زکات حیوان در سال‌های بعد

۱- کسی که باید زکات گاو، گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آنها را از مال دیگری بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده است، همه ساله باید زکات را بدهد.

۲- اگر زکات آنها را از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکات بر او واجب نیست، مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگری زکات آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از ۴۰ کم نشده همه ساله باید يك گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست.

مصرف زکات

**مسئله ۱۸۲۶.** مصرف زکات

انسان می‌تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند:

اول: فقیر، و او کسی است که مخارج سال خود و کسانی که عهده‌دار خرج آنهاست را ندارد. ولی کسی که صنعت، ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را به تدریج کسب کند، فقیر نیست.

دوم: مسکین، و او کسی است که از فقیر سخت‌تر می‌گذراند.

سوم: کسی که از طرف امام علیه السلام، یا نایب امام مأمور است تا زکات را جمع‌آوری و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام، یا نایب امام علیه السلام یا فقرا برساند، می‌تواند به اندازه زحمتی که می‌کشد از آن زکات استفاده کند.

چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند، یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

پنجم: خریداری بندها و آزاد ساختن آنان.

ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.

هفتم: سبیل الله، یعنی کاری که مانند ساختن مسجد، منفعت عمومی دینی دارد، یا مثل ساختن پل و اصلاح راه که نفع آن به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه که برای اسلام و مسلمین نافع باشد (به هر نحو که باشد).

هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده است.

احکام موارد فوق در مسائل آینده می‌آید.

**مسئله ۱۸۲۷.** مقدار زکاتی که فقیر و مسکین می‌گیرد

۱- احتیاط واجب آن است که فقیر و مسکین افزون بر مخارج سال خود و عیالاتش را از زکات نگیرد.

۲- اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط به اندازه کسری مخارج يك سال خود زکات بگیرد.

**مسئله ۱۸۲۸.** شك در کفایت آنچه که دارد برای مخارج سال

کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آنرا مصرف کند و بعد شك کند آنچه که باقیمانده است به اندازه مخارج سال او هست یا نه، نمی‌تواند زکات بگیرد.

**مسئله ۱۸۲۹.** مالك و تاجری که درآمد او کمتر از مخارج سال است

صنعتگر، مالك یا تاجری که درآمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارج خود زکات بگیرد و لازم نیست ابزار کار، ملك یا سرمایۀ خود را به مصرف مخارج خود برساند.

**مسئله ۱۸۳۰.** فقیری که خانه و حیوان سواری دارد، خرید بعضی از چیزها از پول زکات

۱- فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملك او است و در آن سکونت دارد، یا حیوان سواری دارد، چنانچه نتواند بدون آنها زندگی کند، اگر چه برای حفظ آبرویش باشد، می‌تواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه، ظرف، لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد.

۲- فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد، می‌تواند از زکات خریداری نماید.

**مسئله ۱۸۳۱.** فقیری که می‌تواند صنعت بیاموزد

فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد، و با گرفتن زکات زندگی نکند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می‌تواند زکات بگیرد.

**مسئله ۱۸۳۲.** کسی که ادعای فقر دارد

۱- به کسی که قبلاً فقیر بوده و می‌گوید: فقیرم، اگر چه انسان از گفتۀ او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکات داد.

۲- کسی که می‌گوید: فقیرم، و قبلاً فقیر نبوده، یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، اگر از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است می‌شود به او زکات داد.

**مسئله ۱۸۳۳.** طلب از فقیر را می‌توان زکات حساب کرد

۱- کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند.

۲- اگر فقیر بدهکار بمیرد و ترکه‌ای که وافی به بدهی او باشد نداشته باشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند.

**مسئله ۱۸۳۴.** اعلام زکات بودن مال به فقیر لازم نیست

۱- چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکات است.

۲- بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به طوری که دروغ نشود به اسم پیشکش بدهد، ولی باید قصد زکات نماید.

**مسئله ۱۸۳۵.** اگر اشتهاً به غیر فقیر زکات بدهد

اگر به اعتقاد این که کسی فقیر است زکات به او بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسئله به کسی که فقیر نیست زکات بدهد:

۱- چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او پس بگیرد و به مستحق بدهد.

۲- اگر مال مذکور از بین رفته است هر گاه کسی که آن چیز را گرفته است می‌دانسته یا احتمال می‌داده که زکات است، باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد.

۳- اگر آن را به غیر عنوان زکات داده است، نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد.

۴- در همه صور می‌تواند از مال خودش زکات را بدهد و از کسیکه گرفته مطالبه نکند.

**مسئله ۱۸۳۶.** زکات برای دادن قرض افراد و شرط آن

۱- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج سال خود را داشته باشد می‌تواند برای دادن قرض خود زکات بگیرد. البته باید مالی را که قرض کرده بود در معصیت خرج نکرده باشد.

۲- اگر مالی را که قرض گرفته بود در معصیت خرج کرده است و از آن معصیت نیز توبه کرده است، در این صورت می‌توان از سهم فقرا به او زکات داد.

**مسئله ۱۸۳۷.** اگر پس از دادن زکات به بدهکار بفهمد که او قرض را در معصیت مصرف کرده بود

۱- اگر به کسی که بدهکار و مقروض است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد زکات بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می‌تواند آنچه را به او داده است بابت زکات حساب کند.

۲- ولی اگر چیزی را که گرفته در شراب‌خواری یا به طور آشکارا در معصیت مصرف کرده، اگر از آن معصیت توبه نکرده باشد، بنابر احتیاط واجب چیزی را که به او داده، بابت زکات حساب نکند.

**مسئله ۱۸۳۸.** احتساب طلب از کسی که نمی‌تواند آنرا بپردازد به عنوان زکات

کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگر چه فقیر نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

**مسئله ۱۸۳۹.** درمانده در سفر

۱- مسافری که خرجی او تمام شده یا مرکب او از کار افتاده است، چنانچه سفر او سفر

معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگر چه در وطن خود فقیر نباشد، می‌تواند زکات بگیرد.

۲- اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند زکات بگیرد.

**مسئله ۱۸۴۰.** اگر چیزی از زکات بعد از رسیدن به وطن زیاد آمد

مسافری که در سفر درمانده شده و زکات گرفته است بعد از آن که به وطن خود رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد در صورتی که بدون مشقت نتواند بقیه را به صاحب مال یا نایب او برساند باید آنرا به مجتهد جامع الشرائط بدهد و بگوید آن چیز زکات است.

شرایط مستحق زکات

**مسئله ۱۸۴۱.** شیعه دوازده امامی باشد، اگر معلوم شود شیعه نبوده

۱- کسی که زکات می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد.

۲- اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت شود و به او زکات بدهند و زکات تلف شود ولی بعد معلوم شود که او شیعه نبوده است، لازم نیست دوباره زکات بدهد.

**مسئله ۱۸۴۲.** طفل و دیوانه فقیر شیعه

اگر طفل یا دیوانه‌ای از شیعه، فقیر باشد، انسان می‌تواند به ولی او با این قصد که آنچه را که می‌دهد ملك طفل یا دیوانه باشد، زکات بدهد.

**مسأله ۱۸۴۳.** اگر به ولیّ طفل و دیوانه دسترسی نیست

اگر به ولیّ طفل و دیوانه دسترسی ندارد می‌تواند خودش یا به وسیلهٔ يك نفر امین، زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکات را به مصرف آنان می‌رساند، نیت زکات کند.

**مسأله ۱۸۴۴.** فقیر گدا و کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند

۱- به فقیری که گدایی می‌کند، می‌شود زکات داد.

۲- نمی‌توان به کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند، زکات داد.

**مسأله ۱۸۴۵.** اگر آشکارا گناه کبیره می‌کند

احتیاط واجب آن است که به کسی که معصیت کبیره را آشکارا انجام می‌دهد، زکات ندهند.

**مسأله ۱۸۴۶.** بدهکار

۱- به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد، می‌توان زکات داد.

۲- اگر زن برای خرجی خود قرض کند، شوهر نمی‌تواند بدهی او را از زکات بدهد، بلکه شخص دیگری که مخارج او بر انسان واجب است، برای خرجی خود قرض کند، احتیاط واجب آن است که بدهی او را از زکات ندهد.

**مسأله ۱۸۴۷.** پرداخت مخارج واجب النفقه از زکات

۱- انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که خرجشان بر او واجب است (مانند زن دائمی و اولاد و نوه‌ها و پدر و مادر و اجداد را) از زکات بدهد.

۲- البته اگر انسان مخارج آنان را ندهد، دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند.

**مسأله ۱۸۴۸.** پرداخت زکات به پسر

۱- اگر انسان زکات به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید، اشکال ندارد.

۲- اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.

۳- پدر می‌تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد.

۴- پسر هم می‌تواند برای آن که پدرش زن بگیرد، زکات خود را به او بدهد.

**مسأله ۱۸۴۹.** اگر شوهرش مخارج او را می‌دهد یا می‌توان او را به آن مجبور کرد

به زنی که شوهرش مخارج او را می‌دهد یا خرجی نمی‌دهد، ولی ممکن است او را به دادن خرجی مجبور کنند، نمی‌شود زکات داد.

### مسئله ۱۸۵۰. زن در ازدواج موقت

۱- زنی که صیغه شده، اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکات بدهند.

۲- اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، یا بتوان شوهر را مجبور کرد، نمی‌شود به آن زن زکات داد.

### مسئله ۱۸۵۱. زکات زن به شوهر فقیرش

زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگر چه شوهر زکات را صرف مخارج آن زن و اولادش کند.

### مسئله ۱۸۵۲. زکات به سید

۱- سید می‌تواند از سید زکات بگیرد، ولی سید نمی‌تواند از غیر سید زکات بگیرد.

۲- اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج سید را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می‌تواند از غیر سید زکات بگیرد، اما احتیاط واجب آن است که اگر ممکن باشد فقط به مقداری که برای مخارج روزانه‌اش ناچار است، از زکات بگیرد.

### مسئله ۱۸۵۳. اگر معلوم نیست سید است

به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می‌شود زکات داد.

نیت زکات

### مسئله ۱۸۵۴. نیت زکات

۱- انسان باید زکات را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را که می‌دهد زکات مال، یا زکات فطره است.

۲- اگر مثلاً زکات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند چیزی را که می‌دهد، زکات گندم است، یا زکات جو.

### مسئله ۱۸۵۵. زکات چند مال

۱- کسی که زکات چند مال بر او واجب شده است، اگر مقداری زکات بدهد و نیت هیچ کدام از آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده است هم جنس یکی از آنها باشد، زکات همان جنس حساب می‌شود و اگر هم جنس هیچ کدام آنها نباشد، به همه آنها قسمت می‌شود.

۲- کسی که زکات چهل گوسفند و زکات پانزده مثقال طلا بر او واجب است، اگر مثلاً يك گوسفند از بابت زکات بدهد و نیت هیچ کدام از آنها را ننماید، زکات گوسفند حساب می‌شود، ولی اگر مقداری نقره برای زکات گوسفند و طلا که بدهکار است بدهد، تقسیم می‌شود.

### مسئله ۱۸۵۶. وکیل گرفتن

۱- اگر کسی را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، و مالی را هم که زکات آنرا می‌دهد نزد وکیل باشد و خود وکیل زکات آنرا بپردازد، خود وکیل نیت می‌کند.

۲- اما اگر مالك به مقدار زکات برداشته و به دیگری بدهد که به موردش برساند، بر خود مالك واجب است نیت کند که آنچه را وکیل به فقیری می‌رساند زکات باشد.

### مسئله ۱۸۵۷. اگر پس از پرداخت نیت زکات کند

اگر مالك، یا وکیل او بدون قصد قربت، زکات را به فقیر بدهند، و قبل از آن که آن مال از بین برود، خود مالك نیت زکات کند، زکات حساب می‌شود.

### مسائل متفرقه

### مسئله ۱۸۵۸. زمان پرداخت یا جدا سازی زکات

۱- موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می‌کند و موقعی که انگور خشک شده کشمش شود و موقعی که رطب خرما شود، احتیاط واجب آن است- اگر اقوا نباشد- تأخیر در پرداختن زکات و لو به صورت جدا کردن آن از مال، در صورت امکان، از وقت وجوب آن که مغایر با وقت تعلق است، جایز نیست.

۲- همچنین است در زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر بعد از تمام شدن ماه دوازدهم.

### مسئله ۱۸۵۹. اگر منتظر فقیر خاصی است

اگر بعد از جدا کردن، منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد زکات را به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، می‌تواند زکات را به انتظار او هر چند تا چند ماه نگهدارد.

### مسئله ۱۸۶۰. فوری نبودن پرداخت زکات پس از جدا کردن آن

۱- بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آنرا به مستحق بدهد.

۲- اگر به کسی که می‌شود زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که دادن زکات تأخیر نیفتد.

### مسئله ۱۸۶۱. تلف زکات قبل از دادن به مستحق

کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند و آنرا ندهد:

الف اگر در اثر کوتاهی او زکات از بین برود، باید عوض آنرا بدهد.

ب اگر بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود:

۱- چنانچه دادن زکات را به قدری تأخیر انداخته باشد که نگویند فوراً آنرا داده است، باید عوض آنرا بدهد.

۲- اگر به این مقدار تأخیر نینداخته است (مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و زکات در همان دو سه ساعت تلف شده است) در صورتی که مستحق حاضر نبوده، چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده، بنابر احتیاط واجب باید عوض آنرا بدهد.

**مسئله ۱۸۶۲.** تصرف در اموال پس از کنارگذاشتن زکات

۱- اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند.

۲- اگر زکات را از مال دیگرش کنار بگذارد، می‌تواند در تمام مال تصرف کند.

**مسئله ۱۸۶۳.** استفاده از زکات جدا شده و جایگزین آن با چیز دیگر

انسان نمی‌تواند زکاتی را که کنار گذاشته است برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.

**مسئله ۱۸۶۴.** اگر از زکات جدا شده منفعت یافت

اگر از زکاتی که کنار گذاشته است منفعتی ببرد (مثلاً گوسفندی که برای زکات گذاشته بره بیاورد)، منفعت مذکور مال فقیر است.

**مسئله ۱۸۶۵.** اگر مستحق حاضر باشد

اگر در وقتی که زکات را کنار می‌گذارد، مستحق حاضر باشد، بهتر است زکات را به او بدهد، مگر آن که کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

**مسئله ۱۸۶۶.** تجارت با زکات

اگر با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته:

۱- برای خودش تجارت کند صحیح نیست.

۲- ولی اگر با اجازه حاکم شرع، برای مصلحت زکات تجارت کند، تجارت صحیح و نفع آن مال زکات است.

**مسئله ۱۸۶۷.** چیزی که قبل یا بعد از وجوب زکات به فقیر داده است

۱- اگر قبل از آن که زکات بر او واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد زکات حساب نمی‌شود.

۲- بعد از آن که زکات بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده است از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می‌تواند چیزی را که به او داده است بابت زکات حساب کند.

**مسئله ۱۸۶۸.** اگر فقیر قبل از وجوب زکات چیزی به عنوان زکات از مالک بگیرد

۱- فقیری که می‌داند زکات بر شخصی واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است. پس موقعی که زکات بر او واجب می‌شود، اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می‌تواند عوض چیزی را که به او داده، بابت زکات حساب کند.

۲- فقیری که نمی‌داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست و مالک نمی‌تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.

**مسئله ۱۸۶۹.** زکات به فقرای آبرومند، بستگان، اهل علم و کمال

۱- مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقرای آبرومند بدهد.

۲- مستحب است در دادن زکات، بستگان خود را بر دیگران و نیز اهل علم و کمال را بر غیر آنان و کسانی را که اهل سؤال (و تقاضای کمک از دیگران) نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارد.

۳- اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد.

**مسئله ۱۸۷۰.** زکات را آشکارا و صدقه را مخفیانه بدهد

بهرتر است زکات را آشکارا و صدقه مستحی را مخفی بدهد.

**مسئله ۱۸۷۱.** اگر مستحق در شهر پرداخت کننده زکات نبود

۱- اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکات بدهد، مستحقی نباشد و نتواند زکات را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند، باید زکات را به شهر دیگری ببرد و به مصرف زکات برساند.

۲- ولی مخارج بردن به آن شهر بعهده خود اوست و اگر زکات تلف شود ضامن نیست.

**مسئله ۱۸۷۲.** اگر در شهر خودش مستحق بود

۱- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد.

۲- در صورت فوق، مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود ضامن است، مگر آن که با اجازه حاکم شرع برده باشد.

**مسئله ۱۸۷۳.** هزینه توزین غلاتی که برای زکات می‌دهد

اجرت وزن و پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکات می دهد، با خود اوست.

**مسئله ۱۸۷۴.** حدّ اقل مقداری از زکات که خوب است به يك فقير داده شود

۱- کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره، یا بیشتر از بابت زکات بدهکار است، می تواند کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره به يك فقير بدهد.

۲- اگر غير نقره چیز دیگری (مثل گندم و جو) از بابت زکات بدهکار است و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره برسد می تواند به يك فقير کمتر از آن بدهد.

**مسئله ۱۸۷۵.** خرید زکاتی که به مستحق داده

۱- مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد.

۲- اگر مستحق بخواهد چیزی را که از بابت زکات گرفته است بفروشد بعد از آن که به قیمت رساند، کسی که زکات را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

**مسئله ۱۸۷۶.** شك در دادن زکات واجب

اگر شك کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه، باید زکات را بدهد، هر چند شك او برای زکات سالهای قبل باشد.

**مسئله ۱۸۷۷.** صلح در مقدار زکات، قبول آن به گران تر از قیمت، بخشیدن و قرض دادن آن به مالك

۱- فقير نمی تواند زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گران تر از قیمت آن بابت زکات قبول نماید، یا زکات را از مالك بگیرد و به او ببخشد.

۲- کسی که مقدار زیادی از زکات بدهکار است و فقير شده است و نمی تواند زکات را بدهد و امید هم ندارد که دارا شود، چنانچه بخواهد توبه کند، فقير دیگری می تواند زکات را از او بگیرد و سپس همان را به او ببخشد.

**مسئله ۱۸۷۸.** خرید قرآن و کتب دینی از پول زکات و وقف آن

انسان می تواند از زکات، قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است. در این صورت می تواند تولیت وقف را برای خود، یا اولاد خود قرار دهد.

**مسئله ۱۸۷۹.** خرید املاک از زکات و وقف آن بر واجب النفقه

انسان نمی تواند از زکات املاکی بخرد و بر اولاد خود، یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است، وقف نماید تا عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

**مسئله ۱۸۸۰.** زکات برای سفر حج و زیارت

۱- فقیر می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرد.

۲- اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی‌تواند زکات بگیرد.

**مسئله ۱۸۸۱.** فقیری که وکیل مالک در دادن زکات اوست

اگر مالک، فقیری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد:

۱- چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آنرا برای خودش بردارد.

۲- اگر یقین دارد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می‌تواند بردارد.

**مسئله ۱۸۸۲.** زکات اموالی که فقیر آنرا به عنوان زکات گرفته است

اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود، باید زکات آنها را بدهد.

**مسئله ۱۸۸۳.** اگر یکی از دو شریک سهم خود از زکات را بدهد

اگر دو نفر در مالی که زکات آن واجب شده است با هم شریک باشند و یکی از آنها زکات سهم خود را بدهد و سپس مال را تقسیم کنند، چنانچه او بداند شریکش زکات سهم خود را نداده است، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

**مسئله ۱۸۸۴.** اگر قادر به دادن خمس، زکات، کفاره، نذر یا مانند آن نیست

الف کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد:

۱- اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده است از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات آنرا بپردازد.

۲- اگر مال مذکور از بین رفته باشد، می‌تواند خمس یا زکات آنرا بدهد یا کفاره، نذر، قرض و مانند آنرا ادا نماید.

ب کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند آن نیز بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد:

۱- چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده است از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است، قسمت کنند.

۲- اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده است از بین رفته باشد، باید مال او را به خمس یا زکات و قرض و نذر و مانند آن به نسبت تقسیم کنند (مثلاً اگر چهل هزار تومان خمس بر او واجب است و بیست هزار تومان به کسی بدهکار است، و همۀ مال او سی هزار تومان است، باید بیست هزار تومان بابت خمس و ده هزار تومان بابت دین او بدهند).

**مسأله ۱۸۸۵.** دادن زکات به کسی که مشغول تحصیل علم است

۱- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد، می‌توان به او زکات داد.

۲- اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن به او اشکال دارد.

زکات فطره

**مسأله ۱۸۸۶.** کسی که باید زکات فطره بدهد

کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر نیست، باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند، هر نفری يك صاع (که تقریباً سه کیلو است) گندم، جو، خرما، کشمش، برنج یا ذرت و مانند آن به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است.

**مسأله ۱۸۸۷.** زکات فطره بر فقیر واجب نیست

کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسب و کاری هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

**مسأله ۱۸۸۸.** نان‌خور انسان در غروب شب عید فطر

انسان باید فطرۀ کسانی را که در غروب شب عید فطر نان‌خور او حساب می‌شوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

**مسأله ۱۸۸۹.** وکیل کردن نان‌خور در پرداخت فطره

اگر کسی را که نان‌خور او و در شهر دیگر است، وکیل کند که از مال او فطرۀ خود را بدهد، چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می‌دهد، لازم نیست خودش فطرۀ او را بدهد.

**مسأله ۱۸۹۰.** میهمان قبل از غروب و کسی که مجبور شده فطرۀ او را بدهد

۱- فطرۀ میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، با رضایت صاحب خانه وارد شده و نان‌خور او حساب می‌شود، بر او واجب است.

۲- فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت صاحب خانه وارد می شود و مدتی نزد او می ماند واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده اند که خرجی او را بدهد.

**مسئله ۱۸۹۱.** میهمان بعد از غروب

فطره میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحب خانه واجب نیست، اگر چه قبل از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

**مسئله ۱۸۹۲.** اگر در غروب شب عید فطر دیوانه یا بیهوش است

اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه، یا بیهوش باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

**مسئله ۱۸۹۳.** بلوغ، عاقل شدن دیوانه و غنی شدن فقیر قبل از غروب شب عید فطر

اگر بچه قبل از غروب بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.

**مسئله ۱۸۹۴.** اگر بعد از غروب شرایط وجوب فطره حاصل شود

کسی که در وقت غروب شب عید فطر، زکات فطره بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکات فطره را بدهد.

**مسئله ۱۸۹۵.** اگر بعد از غروب شب عید فطر و دیدن ماه مسلمان و یا شیعه شود

۱- کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده است، فطره بر او واجب نیست.

۲- مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکات فطره را بدهد.

**مسئله ۱۸۹۶.** حداقل گندم در استحباب فطره

۱- کسی که فقط به اندازه يك صاع (که تقریباً سه کیلو است) گندم و مانند آن دارد مستحب است زکات فطره را بدهد.

۲- چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد، می تواند به قصد فطره، آن يك صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد، و همچنین تا به نفر آخر برسد، و بهتر است نفر آخر چیزی را که می گیرد به کسی بدهد که از خودش نباشد.

۳- اگر یکی از آنها صغیر باشد، احتیاط آن است که او را در دوران دادن زکات فطره داخل نکنند و چنانچه ولی صغیر از طرف او قبول نماید، باید آن زکات فطره را به مصرف صغیر برساند نه این که از طرف او به دیگری بدهد.

**مسئله ۱۸۹۷.** اگر بعد از غروب بچه دار شود یا نان خور پیدا کند

۱- اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه دار شود، یا کسی نان خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد.

۲- مستحب است فطره کسانی را که بعد از غروب تا قبل از ظهر روز عید، نان خور او حساب می‌شوند بدهد.

**مسئله ۱۸۹۸.** اگر قبل از غروب نان‌خور شخص دیگر می‌شود

اگر انسان نان‌خور کسی باشد و قبل از غروب نان خور شخص دیگر شود، فطره او بر کسی که نان خور او شده واجب است، مثلاً اگر دختر قبل از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

**مسئله ۱۸۹۹.** دادن فطره افراد نان‌خور توسط خودشان

۱- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

۲- اگر کسی که فطره او بردیگری واجب است خودش فطره خود را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده است ساقط نمی‌شود.

**مسئله ۱۹۰۰.** اگر فطره نان‌خور داده نشود

اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، بر خود انسان واجب نمی‌شود.

**مسئله ۱۹۰۱.** زنی که شوهر مخارج او را نمی‌دهد

زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد:

۱- چنانچه نان‌خور کس دیگر باشد، فطره‌اش بر همان شخص واجب است.

۲- اگر نان‌خور شخص دیگری نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

**مسئله ۱۹۰۲.** دادن فطره به سید

کسی که سید نیست نمی‌تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

**مسئله ۱۹۰۳.** فطره طفل شیرخوار

۱- فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد.

۲- اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل بر می‌دارد، فطره طفل بر کسی واجب نیست.

**مسئله ۱۹۰۴.** فطره باید از مال حلال باشد

انسان، اگر چه مخارج عیالات خود را از مال حرام می‌دهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

## مسأله ۱۹۰۵. فطره اجیر نان خور

۱- اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد، در صورتی که به شرط خود عمل کند و نان خور او حساب شود، باید فطره او را هم بدهد.

۲- چنانچه شرط کند مقدار مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، دادن فطره او واجب نیست.

## مسأله ۱۹۰۶. اگر قبل و بعد از غروب شب عید فطر بمیرد

۱- اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

۲- اگر قبل از غروب بمیرد، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

## مصرف زکات فطره

## مسأله ۱۹۰۷. موارد مصرف

۱- اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکات مال گفته شد برسانند کافی است.

۲- احتیاط مستحب آن است که فطره را فقط به فقرای شیعه بدهند.

## مسأله ۱۹۰۸. طفل فقیر شیعه

اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطره را به مصرف او برساند یا به واسطه دادن به ولی طفل، ملک طفل نماید.

## مسأله ۱۹۰۹. فقیر غیر عادل، شراب‌خوار و کسی که آشکارا گناه می‌کند

۱- فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد.

۲- احتیاط واجب آن است که به شراب‌خوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند، فطره ندهند.

## مسأله ۱۹۱۰. فقیری که فطره را در گناه خرج می‌کند

به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند نباید فطره بدهند.

## مسأله ۱۹۱۱. حداقل و حداکثر فطره‌ای که می‌توان داد

احتیاط واجب آن است که به يك فقیر بیشتر از مخارج سالش و کمتر از يك صاع (که تقریباً سه کیلو است) فطره ندهند.

## مسأله ۱۹۱۲. پرداخت مقدار کمتر از صاع از جنس مرغوب

۱- اگر از جنسی که قیمت آن دو برابر قیمت معمولی آن است (مثلاً از گندم اعلا که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است)، نصف صاع بدهد کافی نیست.

۲- اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد کفایت نمی کند.

**مسئله ۱۹۱۳.** يك صاع فطره بايد از يك جنس باشد

انسان نمی تواند نصف صاع را از يك جنس (مثلاً گندم) و نصف دیگر آن را از جنس دیگر (مثلاً جو) بدهد و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد، بلکه کافی نیست.

**مسئله ۱۹۱۴.** رعایت اولویت در فقرا

۱- مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را.

۲- اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

**مسئله ۱۹۱۵.** اگر اشتبهاً به غیر فقیر فطره بدهد

اگر با اعتقاد به این که کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد معلوم شود فقیر نبوده:

الف چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد:

۱- می تواند آن را پس بگیرد و به مستحق بدهد

۲- اگر نتواند آن را بگیرد باید از مال خودش فطره را بدهد.

ب اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده فطره می دانسته یا احتمال می داده آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد وگرنه، دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد.

**مسئله ۱۹۱۶.** اگر ادعای فقر کرد

اگر کسی بگوید: فقیرم، نمی شود به او فطره داد، مگر آن که اطمینان پیدا کند یا از ظاهر حالش گمان پیدا شود که فقیر است، یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

مسائل متفرقه

**مسئله ۱۹۱۷.** لزوم قصد قربت و نیت

انسان باید زکات فطره را به قصد قربت (یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم) بدهد و در وقت دادن آن نیت دادن فطره نماید.

**مسئله ۱۹۱۸.** فطره قبل از موعد، احتساب قرض فقیر به عنوان فطره

۱- اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست.

۲- احتیاط واجب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد.

۳- اگر قبل از ماه رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره حساب کند، مانعی ندارد.

**مسئله ۱۹۱۹.** اگر فطره با چیز دیگر مخلوط بود

گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می‌دهد:

۱- باید با جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد.

۲- اگر مخلوط است، چیزی که مخلوط شده باید به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد. اگر بیش از این مقدار باشد در صورتی صحیح است که خالص آن به یک صاع برسد. ولی اگر مثلاً یک صاع گندم به چندین من خاک مخلوط باشد که خالص کردن آن خرج یا کار بیشتر از متعارف دارد، دادن آن کافی نیست.

**مسئله ۱۹۲۰.** فطره از جنس معیوب

اگر فطره را از چیز معیوب بدهد کافی نیست.

**مسئله ۱۹۲۱.** فطره چند نفر از چند جنس

کسی که فطره چند نفر را می‌دهد، لازم نیست همه را از یک جنس بدهد. اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعضی دیگر را جو بدهد کافی است.

**مسئله ۱۹۲۲.** زمان دادن فطره

۱- کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید فطره را قبل از نماز عید بدهد.

۲- اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

۳- اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد، احتیاط واجب آن است که هر وقت آن را می‌دهد نیت فطره نماید.

**مسئله ۱۹۲۳.** اگر فطره را کنار نگذارد

اگر موقعی که دادن زکات فطره واجب است، فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، احتیاط واجب آن است که بعداً بدون این که نیت ادا و قضا کند، آن را بدهد.

**مسأله ۱۹۲۴.** تعویض فطره جدا شده با چیز دیگر

اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مال دیگری را برای فطره بدهد.

**مسأله ۱۹۲۵.** اگر نیت کند مقداری از مالش برای فطره باشد

اگر انسان مالی داشته باشد که قیمت آن از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد، اشکال دارد.

**مسأله ۱۹۲۶.** تلف فطره جدا شده

اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود:

- ۱- چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته، باید عوض آن را بدهد.
- ۲- اگر دسترسی به فقیر نداشته، ضامن نیست. مگر آن که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

**مسأله ۱۹۲۷.** انتقال فطره به محل دیگر

در صورتی که زکات فطره را از مال خود جدا کرده باشد، اگر در محل خودش مستحق پیدا شود:

- ۱- احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد.
- ۲- اگر آن را به جای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.